

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۰ مارچ ۲۰۱۸

## سرکوب ، پاسخ همیشگی جمهوری اسلامی به کارگران

همه دولت های مدافع منافع استثمارگران و ستمگران ، در مقابل کارگران و دیگر توده های تحت ستم یک وظیفه مشخص دارند و آن محروم ساختن آنان از دست یابی به ابزار و روش های مبارزاتی برای نابودی ستم و استثمار می باشد. رژیم جمهوری اسلامی نیز به منظور تأمین منافع امپریالیستها و سرمایه داران داخلی وابسته ، همواره کوشیده است با توسل به یکی از لجام گسیخته ترین و عریان ترین اشکال دیکتاتوری، این وظیفه ضد خلقی را انجام دهد. از این روست که اگر کارگران برای تحقق اهداف خود نیازمند تشکیلات هستند - هم تشکل صنفی و هم سیاسی - جمهوری اسلامی با اعمال شدیدترین دیکتاتوری ها سعی کرده است آنها را از برخورداری از تشکیلات خود محروم سازد. بر این اساس ، علی رغم همه مبارزاتی که کارگران ما در طول سالها برای ایجاد تشکل های مستقل صنفی خود انجام داده اند ، تحت دیکتاتوری حاکم حتی موفق به ایجاد یک تشکل صنفی کارگری پایدار هم نشده اند. علاوه بر این واقعیت ، شرایط دیکتاتوری و سیطره فضای رعب و وحشت و خفقان در جامعه ، سدی در مقابل ایجاد حزب طبقه کارگر ، به مثابه ارگان سیاسی و طبقاتی کارگران ، از راه مسالمت آمیز به وجود آورده است. همانطور که می دانیم این رژیم حتی تاب تحمل مبارزات اقتصادی طبقه کارگر را هم ندارد و علاوه بر کنترل دائمی کارگران توسط ارگانهای کارگر ستیز خود در محیط کار ، مدام با فرستادن نیروهای مسلح خود به سراغ کارگران معترض مانع از گسترش مبارزات و اعتلای آنها می گردد.

اما از طرف دیگر ، هم تجارب موجود و هم تحلیل علمی (مارکسیستی) و واقع بینانه از شرایط موجود در ایران بیانگر آن است که هیچ طبقه ای در ایران هر قدر هم خود را دموکرات و سکولار و آزادیخواه جلوه دهد ، قادر به تأمین نان ، کار ، مسکن و آزادی برای کارگران و دیگر ستمدیدگان ایران نیست و تنها طبقه کارگر رهبری شده توسط ارگان طبقاتی خود می تواند حکومتی در ایران برپا دارد که پاسخگوی چنین خواستهها و محقق کننده آنها باشد. بنابراین مسأله مهم و جدی در مقابل طبقه کارگر برخورد به این پارادوکس و در پیش گرفتن راهی است که منجر به کسب قدرت سیاسی از طرف این طبقه تا به آخر انقلابی گردد.

واقعیت این است که آنچه به جمهوری اسلامی به طور عمده امکان تأمین حاکمیت بر توده های میلیونی جامعه را داده است ، نیروهای مسلح مزدوری است - اعم از ارتش ، سپاه پاسداران و نیروی انتظامی و بسیج و غیره - که این رژیم در اختیار دارد. بنابراین طبقه کارگر تنها زمانی قادر می شود که حکومت را به دست خود بگیرد که خود را مسلح

کرده و بر قدرت نظامی رژیم فائق آید تا این سد را از پیشروی مبارزات خود بردارد. از این روست که کارگران آگاه و مبارز ایران همین امروز باید خطر کنند و به خصوص با کمک روشنفکران انقلابی، هم خود را به ایندولوژی خود یعنی مارکسیسم - لنینیسم مجهز سازند و هم با تشکیل تشکل های مخفی سیاسی - نظامی و انجام مبارزه مسلحانه علیه رژیم به منظور بسیج و سازماندهی سیاسی و نظامی توده ها، صفوف خود را هم به لحاظ سیاسی و هم نظامی تقویت نمایند. این قدم اول راهی در شرایط کنونی است که کارگران را قادر به ایجاد تشکل های صنفی و برپایی حزب سیاسی خود نموده و در نهایت باعث قدرت گیری آنها خواهد شد. شکی نیست که قدم گذاشتن در این راه به هیچ وجه به معنای نفی مبارزات اقتصادی کارگران نیست و آنها کماکان باید برای بیرون کشیدن دستمزدهای عقب مانده خود از گلوی سرمایه داران همچنان به مبارزات صنفی خود ادامه دهند.

ضرورت تشکیل هسته های سیاسی - نظامی از طرف کارگران و روشنفکران انقلابی امری است که واقعیت های جامعه ایران به هزار زبان آن را گوشزد می کند. در زیر، تجربه ای از مبارزات کارگران دلیر هفت تپه ذکر می شود که دقیقاً و کاملاً چنین ضرورتی را یادآور می شود.

کارگران مجتمع صنعتی هفت تپه، در اعتراض به اجحافات صاحبان و مدیران این واحد تولیدی و جهت رسیدن به مطالبات به حقشان، بارها مبادرت به اعتصاب نموده اند. کارفرما نیز به جای پاسخگویی به خواستهای کارگران اعتصابی، طبق روال همیشگی تلاش نموده است با دادن وعده های توخالی و قول های سر خرمن، کارگران را فریب داده و آنها را به سر کار باز گرداند. در این اواخر نیز کارگران معترض در حالی که چند ماه دستمزدشان پرداخت نشده و حتی دستمزد بهمین [دلو] و اسفند [حوت] سال ۱۳۹۴ را هنوز طلبکارند، با ده ها مورد تعدی کارفرما مواجه اند که عملاً کارگران را به صورت برده در آورده است. از یکسو کارفرما با کارگران قراردادهای کوتاه مدت، آن هم به صورت روزمزد بسته و از رسمی کردن آنها خودداری می کند تا از جمله طبقه بندی مشاغل شامل حال آنها نشود؛ از سوی دیگر با عدم پرداخت حق بیمه هایشان به سازمان تأمین اجتماعی نه تنها عملاً دفترچه های بیمه آنها را فاقد ارزش نموده است، بلکه این کار در امر مربوط به الزامات بازنشستگی کارگرانی که به سن بازنشستگی می رسند نیز اخلال ایجاد می کند.

با توجه به مجموعه شرایط فوق الذکر، کارگران هفت تپه به دنبال اعتصاب ۱۶ دی ماه [جدی] ۱۳۹۶، بار دیگر در ۲۵ دی ماه دست به اعتصاب زدند. در جریان این اعتصاب که با خیزش میلیونی ستمدیگان و هیچ بودگان در سراسر کشور همزمان شده بود، کارگران مصرّاً از کارفرما خواستند که به جای وعده های دروغین به تعهدات خود عمل کند. در جریان تجمعات کارگران اعتصابی، یکی از کارگران ضمن سخنرانی برای کارگران، سیاست تاکتونی کارفرما مبنی بر وعده دادن و به آن عمل نکردن جهت فریب کارگران و خسته کردن آنها را افشاء نموده و اعلام کرد که اگر تا پایان هفته، کارفرما به مطالبات کارگران پاسخ واقعی ندهد، خود کارگران مدیریت مجتمع را به دست گرفته و مجتمع هفت تپه را اداره خواهند کرد. این کارگر با توجه به این که چند روز پیش از این تاریخ، امام جمعه تهران (کاظم صدیقی) کارگران و دیگر توده های انقلابی در جریان خیزش دی ماه را "آشغال" خطاب کرده بود، در ادامه صحبت های خود با شجاعت و جسارت کامل در پاسخ به وی گفت: "آشغال توئی که مردم ایران از بوی تعفن آشغال تو جانیشان به لب شان رسیده. آشغال توئی! روزی که مردم تو را بیاورند پائین معلوم میشه آشغال کیست". این سخنان شجاعانه که با تشویق شدید کارگران مواجه شد به طور طبیعی کارفرما و سربازان گمنام امام زمان را خشمگین نمود. به همین دلیل هم به دنبال این سخنرانی وقتی این کارگر آگاه راهی منزل خود بود، سرنشین های دو ماشین که صورتهای خود را پوشانده بودند به این کارگر معترض حمله کرده و ضمن ضرب و شتم وحشیانه وی، قصد جان او را داشتند که با

مقاومت وی و کمک مردم محل مجبور به فرار شدند. متأسفانه در جریان این پورش وحشیانه دست این کارگر که در مقابل ایادی سرمایه داران سر خم نکرد، شکست.

حمله و ضرب و شتم کارگری که در جریان اعتصاب برای همکاران خود سخنرانی نموده و ضمن دفاع از خواسته‌های صنفی به حق خود بر ادامه اعتصاب تا پیروزی تأکید نمود بار دیگر نشان می‌دهد که پاسخ بورژوازی وابسته ایران و رژیم دار و شکنجه حامی اش به بدیهی‌ترین خواسته‌های کارگران، جز سرکوب نبوده و نیست. اگر به شیوه برخورد کارفرمایان و سگ نگهبانشان جمهوری اسلامی با کارگران در این سالها دقت کنیم فوراً متوجه می‌شویم که سرکوب پاسخ همیشگی این رژیم و ایادی اش به کارگرانی بوده که خواهان مطالبات به حق خود می‌باشند.

همگان به خاطر دارند که چگونه جمهوری اسلامی در خاتون آباد به سوی کارگران شلیک نمود و تعدادی از آنها را وحشیانه در خونشان غوطه ور ساخت. یا همواره شاهدیم که مأموران ددمنش این رژیم چگونه در کردستان با سببیت تمام با کولبران برخورد می‌کنند و فراموش نکرده ایم که آنها در کردستان، کارگرانی را که می‌خواستند روز جهانی کارگر را پاس دارند به شلاق بستند؛ و یا شلاق زدن کارگران معدن طلای آق دره از یاد نرفته است. هیچ کارگر آگاهی هم نیست که از حمله وحشیانه کارفرما و ایادی اش به کارگران آق دره بی اطلاع باشد و یا نداند که کارفرما ها چگونه برای کارگران معدن کرمان پرونده درست کرده و با شکایت از آنها باعث دستگیری شان شدند. این موارد و صدها مورد دیگر به روشنی نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی نه تنها کارگران ما را از دسترسی به یک سری ابزار لازم مبارزاتی شان محروم ساخته، بلکه با پیگرد سیستماتیک و حتی ترور فعالان کارگری، به اعمال ظلم و تعدی هائی در حق آنها متوسل می‌شود که کارگران برای این که بتوانند از زندگی شرافتمندانه خود حفاظت کنند، راهی جز اعمال قدرت انقلابی و وادار کردن سرمایه داران و دژخیمان محافظ آنها برای قبول احقاق حق کارگران در مقابل خود ندارند. همه واقیعت های ذکر شده بر این امر دلالت می‌کنند که کارگران ایران بدون نابودی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی قادر نیستند به مطالبات به حق شان رسیده و شرایط برده واری را که بورژوازی به کمک این رژیم حامی سرمایه داران بر کارگران تحمیل نموده، در هم بشکنند. درست به همین منظور کارگران ما باید به طور جدی از همین امروز دست به کار شوند و در جهت به دست آوردن قدرت نظامی و سرنگونی جمهوری اسلامی به ایجاد تشکل های مخفی سیاسی - نظامی پردازند تا قادر شوند راهی را که به پیروزی آنها و گسستن زنجیرهای شان می‌انجامد را به سرانجام برسانند.

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۴۹، پانزدهم بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۶